

هفت تپه قهرمان، کابوس جمهوری اسلامی!

متن گفتگوی نگاه روز در تلویزیون کانال جدید
با شهلا دانشفر

صفحه ۲

ضرورت حمایت وسیع از فعالین جنبش رهایی زن و عرصه مبارزه علیه حجاب

صفحه ۴

شیرین شمس

منشاء ناکامی و سردرگمی احزاب راست

صفحه ۷

اصغر کریمی

آب در خوابگاه مورچگان!

صفحه ۸

شهرام نجفی

چند اطلاعیه در این شماره

آکسیون سراسری برای آزادی سهیل عربی

تداوم اعتصاب کارگران راه آهن

تجمع معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان و پیوستن تعدادی از والدین دانش

آموزان و مردم به صف آنان

اطلاعیه خبری: اعتصاب کارگران بگم قلعه ارومیه، تجمع اعتراضی کارگران شهرداری

کلاله آزادی آنبیسا اسداللهی

تجمع اعتراضی معلمان شاغل و بازنشسته در کرمانشاه تبریز، اصفهان، اهواز و ادامه

اعتراضات هزار معلم حق التدریسی در تهران

اعلام کیفرخواست رنگین کمانان ایرانی در فستیوال پراید استکهلم



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۲۸

جمعه ۱۸ مرداد ۱۳۹۸، ۹ اوت ۲۰۱۹

جنگ یا مذاکره؟

مصطفی صابر

مذاکره یا جنگ؟ این سوال خوف انگیزی است که این روزها بالای سر سیاست در ایران آویزان کرده اند. از سی ان ان و بی بی سی و صدای آمریکا و میدیای رسمی کشورهای مختلف گرفته، تا صدا و سیما جمهوری اسلامی و روزنامه های ایران همه دارند در این مورد صحبت میکنند که آیا آمریکا و جمهوری اسلامی وارد جنگ خواهند شد و یا مذاکره. در دنیای عجیب این حضرات ظاهرا حالت دیگری هم متصور نیست و یا اهمیت چندانی ندارد. مردم باید نفس در سینه حبس کنند تا ببینند نتیجه چه میشود. جنگ یا مذاکره؟! جنگ که البته وحشتناک است، و هیچکدام از طرفین چه ترامپ و چه خامنه ای، چنانکه میگویند، جنگ نمی خواهند. پس باید به مذاکره امیدوار بود. خیلی هم متشکر! گرچه همه میدانند از مذاکره اینها هم چیزی به مردم نمی رسد، اما وقتی شما را به مرگ جنگ و تحریم و نابودی گرفته اند باید با خشنودی به تب مذاکره راضی شوید. حالا گویی تمام کار ملت باید این باشد که تویت های دونالد ترامپ و دژمن دژمن های خامنه ای را دنبال کنند و سرتاپا گوش به مفسرهای تلویزیون بی بی سی فارسی و امثالهم خیره شوند که کی نشانه های مذاکره ظاهر میشود. این است سیاست به معنایی که بالایی ها (اعم از سیاستمدار و خبرنگار و مفسر) دلشان می خواهد همیشه ادامه داشته باشد... بیخود نیست دانی جان ناپلئون ها ظهور میکنند. دانی جان مگر جز نسخه مضحك و ساده لوح همین مفسرین محترم و تحصیل کرده و خیلی عمیق چیز دیگری هست؟! اما جامعه و تحولاتش "کار انگلیس" یا آمریکا و هیچ قدرتی نیست، چه رسد به موجودات حقیری چون "پرزیدنت ترامپ" و "آیت الله خامنه ای" و بادنجان دور قابچین های آنها. برعکس، حاکمیت اینها و شیرین زبانی های آن ها همه و همه محصول مبارزه طبقاتی تعطیل ناپذیر و در خدمت منافع طبقاتی متفاوت است. به اطلاعیه ها و مطالبی که در همین شماره انترناسیونال چاپ شده نگاهی بیندازید تا ببینید چگونه اعتراض و مبارزه از سوی کارگران و بازنشستگان و زنان و جوانان و معلمان در ایران علیرغم همه بگیر ببندها و بیدادگاه های جمهوری اسلامی، علیرغم همه لفاظی ها و تبلیغات حول جنگ یا مذاکره، با وسعت جریان دارد. اینها نه جنگ میخواهند و نه

صفحه ۶

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

هفت تپه قهرمان، کابوس جمهوری اسلامی!

متن گفتگوی نگاه روز در تلویزیون کانال جدید
با شهلا دانشفر



جمال حسینی: روز ۱۲ مرداد دادگاه زندانیان هفت تپه با حضور اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، محمد حنیفر، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری و عسل محمدی در شعبه ۲۸ در تهران برگزار شد. این مضحکه اسلامی که رژیم نام آن را دادگاه گذاشته است در ایران و در سطح بین المللی بازتاب یافته است. شهلا دانشفر افراد مورد نظر چرا مورد محاکمه قرار گرفته اند؟ اساسا دلیل ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان هفته تپه چه بود؟ لطفا در باره روند این به اصطلاح دادگاه روز ۱۲ مرداد هم توضیحی بدهید.

دستاوردهایش بود. اسماعیل بخشی برای مردم صدای آزادیخواهی است. صدای برابری طلبی است و این صدا در هفت تپه و در خیابانهای شوش طنین انداخت. دامنه اش آنچنان گسترش یافت که با مبارزات کارگران گروه ملی اتصال پیدا کرد و شهر اهواز را به حرکت در آورد. گفتمان های او به دانشگاه ها و به میان بخش های مختلف جامعه مثل معلمان، بازنشستگان و در سطح جامعه جاری شد. از همین رو جمهوری اسلامی با این کارش حکومت در واقع دارد از کارگران نیشکر هفت تپه و رهبر محبوب این کارگران و کسانی که به حمایت از آنان برخاستند انتقام میگیرد.

همانطور که میدانید اولین اقدام جمهوری اسلامی در برابر مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه حمله به هیات نمایندگی شورای این کارگران و بازداشت آنان و سپیده قلیان دختر جوانی بود که در دفاع از مبارزات هفت تپه اخبار آنرا رسانه ای میکرد. در زندان اسماعیل بخشی را زیر شکنجه و آزار قرار دادند. اما او وقتی آزاد شد کیفرخواستش را علیه بساط شکنجه و زندان اعلام کرد و با این کارش جنین دادخواهی علیه کل بساط زندان و جنایاتش را به جلو راند. سپیده قلیان نیز در کنار بخشی ایستاد و بر کیفر خواست او صحنه گذاشت.

آنوقت جمهوری اسلامی بخشی و سپیده را دوباره بازداشت و آنها را زیر شکنجه قرار داد که شکایاتشان علیه شکنجه را پس بگیرند. اما آنها محکم

دست داده بود که بخشی و وکیلش را مورد توهین قرار داد. در مقابل اسماعیل بخشی محکم ایستاد و اعلام کرد که خط قرمز او کارگران هفت تپه و وکیلش است و هرگونه توهین به کارگران هفت تپه و وکیلش را قاطعانه پاسخ خواهد داد. در نتیجه دیدیم که دادگاه متشنج شد. بعد نیز به خانواده دیگر بازداشت شدگان اعلام شد که دادگاه آنان به روزی دیگر موکول میشود. سپس ادامه دادگاه بخشی نیز در روز بعدش همراه با امیر امیرقلی و عسل محمدی صورت گرفت و قاضی دادگاه قرار عسل محمدی را به ۲ میلیارد افزایش داد و به علت عدم تودیع این وثیقه راهی زندان شد.

بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه با اتهاماتی تحت عناوین "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی"، "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام"، "توهین به مقام رهبری"، "تشر اکاذیب به قصد تشویش علیه اذهان عمومی"، تحت محاکمه قرار گرفته اند و این اتهامات به معنای محاکمه آنان بخاطر مبارزه علیه کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم و برای داشتن یک زندگی انسانی است. در مقابل ما شاهد موجی عظیمی از حمایت و همبستگی با بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه هستیم و چهره هایی چون اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در قلب مردم جا دارند.

جمال حسینی: عکس العمل علیه این بیدادگاه در بیرون از محل محاکمه چطور بود؟ در سطح بین المللی آیا شاهد واکنش علیه این بیدادگاه اسلامی بودیم؟

شهلا دانشفر: با نزدیک شدن روز دادگاه بازداشت شدگان هفت تپه، فراخوانهای بسیاری در سطح مدیای اجتماعی مبنی بر تجمع در مقابل شعبه ۲۸ دادگاه رژیم

اسلامی منتشر شد. روز ۱۲ مرداد در پاسخ به این فراخوان تعدادی از فعالین کارگری، دانشجویی و دوستان و حامیان دستگیر شدگان هفت تپه در همراهی با خانواده های بازداشت شدگان به محل تشکیل دادگاه آمدند تا در اعتراض به این بیدادگاه با اسماعیل بخشی و فریاد رسایش برای کار، نان، کار، آزادی، اداره شورایی همصدا باشند. از جمله چندین نفر از کارگران نیشکر هفت تپه به نمایندگی از دیگر همکارانشان به تهران آمده و در محل حاضر بودند تا حمایت خود را از نماینده محبوبشان بخشی و در اعتراض به این بیدادگاه اعلام کنند. اما نیروی انتظامی در هراس از گسترش دامنه این تجمع شروع به متفرق کردن جمعیت کرد و در همان اول دو نفر را بازداشت کرد.

البته کارزار حمایت از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه از قبل به استقبال برپایی چنین اعتراضی رفته بود. از جمله وقتی تاریخ برگزاری دادگاه این عزیزان برای دوازدهم مرداد اعلام شد، کارزار در حمایت از آنان در سطح جامعه و همچنین در سطح بین المللی شتاب بیشتری به خود گرفت. برای مثال پتی شنی در اعتراض به ادامه بازداشت آنان و با خواست آزادی فوری و بدون قید و شرطشان به راه افتاد که بیش از هزار نفر آنرا امضاء کردند. همچنین تشکلهای مختلف کارگری در ایران برگزاری این بیدادگاه را محکوم کردند و خواهان آزادی فوری اسماعیل بخشی و همه بازداشت شدگان هفت تپه شدند. همچنین کلای بخشی و سپیده قلیان بر علنی بودن دادگاه تاکید کردند. در سطح جهانی نیز "شبکه سندیکایی جهانی همبستگی و مبارز" متشکل از هشتاد سندیکا و تشکل کارگری و دو اتحادیه

ضرورت حمایت وسیع از فعالین جنبش رهایی زن و عرصه مبارزه علیه حجاب

شیرین شمس



(۱) روند بازداشت فعالین جنبش رهایی زن و عرصه نه به حجاب:

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی از "هشت مارس" روز جهانی زن که شعار "خانه، خیابان، کارخانه، انقلاب زنانه" بر دیوارهای خیابانهای تهران نقش بست، و با شتاب گرفتن مبارزه علیه حجاب و عفاف از هشت مارس تابحال، با شدت بیشتری دست به تهدید و بازداشت و صدور احکام سنگین و تحمل حبس های طولانی مدت برای فعالین این عرصه زده اند.

انتشار نشریه های متعدد دانشجویی دانشگاههای مختلف ایران، بمناسبت هشت مارس امسال و چهل ساله شدن مبارزه زنان و بخش پیشرو جامعه علیه حجاب اجباری، فعالیت های وسیع تشکلهای زنان در رابطه با حق زن، و نیز ظهور فعالین علنی در این عرصه که هم در سطح شهر و هم در شبکه های اجتماعی موجب تقویت موج عظیم مبارزه علیه حجاب می شدند، و تجمعات اعتراضی برگزار شده علیه حجاب و عفاف و گشت ارشاد دانشگاهی در دانشگاهها، همه و همه در بستری از مبارزه و جدال روزمره زنان و جامعه علیه قوانین زن ستیز و بازوهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، فاکتورهای تعیین کننده ای بود که حکومت موقعیت خود را در خطر ببیند و حمله به فعالین این عرصه را شدت دهد.

در این مدت سه معترض علنی به حجاب، بازداشت و به زندان قرچک ورامین منتقل شدند. یاسمن آریانی، مؤگان کشاورز و منیره عربشاهی که بمناسبت هشت مارس امسال

مرضیه امیری فعال دانشجویی و قضائیه و سایر اعضا تشکیل و از بازداشتی های روز جهانی کارگر با وجود وضعیت وخیم جسمی در زندان اوین است. آیشا اسدالهی از بازداشتشدگان روز جهانی کارگر با قرار کفالت به شکل موقت آزاد شده بود که بار دیگر در روز ۲۸ خرداد ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. آیشا اسدالهی این بار پس از ۵۰ روز حجاب یک مسئله عادی نیست زندان اوین به شکل موقت آزاد شد. ساناز الهیاری از اعضا هیات تحریریه نشریه گام و از مدافعین کارگران هفت تپه همچنان در بند است. لیلا حسینزاده، فعال دانشجویی پس از بازداشت در تاریخ ۶ مردادماه، صبح دوشنبه ۱۴ مرداد جهت اجرای حکم ۳۰ ماه حبس خود به بند عمومی زندان اوین منتقل شد و همچنین عسل محمدی را دوباره به زندان بردند. عسل محمدی در پی برگزاری جلسه دادگاهش در ارتباط با پرونده بازداشتی های هفت تپه، باردیگر بازداشت و روانه زندان شد.

کردن کمپین چهارشنبه های سفید در مقابل دوربین و مشروط کردن آزادی این فعال حقوق زنان به موافقت او با «اعترافات» اجباری، قبلا تهدید کرده بودند این سه مخالف حجاب، هرکدام به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» به ۵ سال حبس تعزیری، از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری و از بابت اتهام «تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا» به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شدند. علاوه بر این اتهامات مؤگان کشاورز از بابت اتهام «توهین به مقدسات» نیز به ۷ سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شده است. این حکم پس از انتقال آنها به دادگاه انقلاب و بدون حضور وکلا به ایشان ابلاغ شده است.

فرشته دیدنی دیگر فعال این عرصه و بازداشتی در زندان قرچک ورامین که در ۱۵ خردادماه امسال دستگیر شده، همزمان با جلسه بازپرسی این سه فعال نامبرده، جهت ابلاغ کیفرخواست به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی افشاری منتقل شد.

دیگر اعضای ندای زنان ایران ناهید شقاقی که با شهادت تمام در یک پیام ویدئویی اعلام کرد «من به حجاب اعتقادی ندارم» و اکرم نصیریان بجرم «تبلیغ بی حجابی» و «تشویق اذهان عمومی» در این مدت بازداشت و زندانی شده و بالاخره با قرار وثیقه سنگین از زندان اوین آزاد شدند.

عاطفه رنگریز و ندا ناجی از فعالین حقوق زنان، در تجمع اعتراضی اول ماه مه روز جهانی کارگر، بازداشت شده و تابحال در زندان قرچک ورامین شرایط بسیار سختی از جمله ضرب و شتم توسط زندانبانان خطرناک را متحمل شده اند. ندا ناجی اخیرا به زندان اوین منتقل شده است.

از دیگر زنان مبارز، سپیده قلیان دانشجو و از مدافعین حقوق کارگران و بازداشتی های هفت تپه، همچنان در زندان قرچک ورامین بسر میبرد.

(۲) اقدامات دیگر جمهوری اسلامی در حفظ حجاب و حفظ موقعیت خود:

جلسه قوای سه گانه جمهوری اسلامی: پنجم تیر ۹۸، جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی به فراخوان و ریاست حسن روحانی رئیس جمهور حکومت اسلامی و با حضور سران قوای مقننه و

تشدید طرح های امنیت اخلاقی تشدید" از جمله ارسال پیامک های وزرا به رانندگان بیحجاب و احضار آنها به وزرا به اعتراضی و جامعه بوده تا با زندانی کردن آنان و قطع ارتباطشان با بدنه جامعه، مانع پیشروی جنبش نوین رهایی زن و گسترش مبارزه علیه حجاب اجباری شود، حجابی که یکی از فاکتورهای تعیین کننده در سرکوب زنان و جامعه، و نیز در ثبات و بقا جمهوری اسلامی بوده است.

ادامه از صفحه ۴

جامعه به مبارزه علیه وضع موجود ادامه میدهند و چه بسا رایکالتر، همه جانبه تر و عمیقتر در مقابل این حکومت که زن ستیزی یکی از ارکان اساسی آن است، پرچم رهایی زن را بدست گرفته و پیش می روند. چرا که جامعه ی خوبی میداند که رهایی جامعه در گرو رهایی زنان از شر حجاب، از شر قوانین اسلامی و نرینه سالار و از شر کلیت جمهوری اسلامی است.

خرداد ۹۸ مکارم شیرازی، در یک مراسم مذهبی در مدرسه ای، از رشد بدحجابی در قم گلایه کرد و آنرا را یکی از مشکلات مهم دانست و افزود: "بدحجابی در قم یک مسئله سیاسی ضد نظام است که دشمنان با رواج آن قصد متزلزل کردن پایه های نظام را دارند و مسئولان باید این مسئله را جدی بگیرند."

احمد خاتمی امام جمعه تهران اخیرا گفته است: "قصه حجاب روز به روز بدتر میشود. کشور دارد بسمت بیحجابی می رود." غلامحسین محسنی اژه ای، معاون اول قوه قضائیه، خرداد ۹۸: "هنجارشکنی در جامعه و کنار زدن روسری در حال جافتادن در جامعه است. کسی که می خواهد در داخل اتوبوس، در کوچه یا خیابان امریه معروف و نهی از منکر کند، می ترسد"

یک روز پس از اخطار پیامکی بدلیل بی حجابی در خودرو، که به تعدادی از شهروندان در تهران ارسال شد، حسین اشتری، فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد که اجرای "طرح های امنیت اخلاقی تشدید" خواهد شد. فرمانده نیروی انتظامی ادعا کرده که طرح امنیت اخلاقی بنا به درخواست مردم و برای آرامش و امنیت بیشتر تشدید می شود. این طرح در حالی اعلام شد که تعداد بسیار زیادی از دریافت کنندگان پیامک وزرا، از مراجعه به این مرکز سرکوب، سرباز زده بودند، و تعدادی که مراجعه کرده بودند مقابل درب وزرا، فضا را چنان اعتراضی کردند که نیروی انتظامی از ترس شکل گیری

تظاهرات توسط تجمع کنندگان مجبور به حذف کردن همه پیامک ها کرد.

تعداد قابل توجهی از دانشجویان زن در تجمع اعتراضی علیه حجاب و عفاف در دانشگاه تهران حجاب از سر برداشته بودند. همچنین در تجمعات دانشجویان مقابل مجلس تعدادی از زنان شرکت کننده حجاب نداشتند.

اکرم نصیریان و ناهید شقاقی از اعضای ندای زنان ایران و از معترضین به حجاب، پس از آزادی از زندان اوین، همچنان حجاب از سر برداشتند و با روحیه بسیار بالایی که با استقبال کنندگان برخورد میکردند این پیام را دادند که در مقابل حکومت سرکوبگر سر تسلیم پایین نمی آورند.

در حمایت از فعالین بازداشت شده، زنان بسیاری حجاب را از سر برداشته اند و با روحیه مبارزاتی تر و اعتراضی تر و با نقد طبقاتی، با پیامهایی تصویری در حمایت از مبارزه علیه حجاب و در حمایت از آزادی پوشش، فیلمهای خود را در شبکه های اجتماعی منتشر کرده اند.

در یکی از این فیلمها یک زن شجاع از ایران خطاب به خامنه ای می گوید: "من را هم دستگیر کنید! تمام انسانهایی که برای آزادی، برابری و کرامت انسانی فعالیت میکنند را دستگیر کنید... من آوا، صدای یاسمن آریانی، منیره عربشاهی، مؤگان کشاورز، فرشته دیدنی و صبا کردافشاری هستم... زندانهای شما الان پر است از زندانیان سیاسی، حتی بیشتر از دزدان حکومتی. یک زمان خواهد رسید که صف آزادیخواهان آنقدر زیاد شود و آنقدر گسترش یابد که ما مجرمان اجباری که بدلیل فقر به دزدی و فساد کشیده شده اند را هم از زندان آزاد کنیم و مردم به ما ببینند..."

حمایت های مردم در محل از تعرض و دست درازی مأموران گشت ارشاد به زنان وسیعتر می شود که از جمله میتوان به

حمایت جوانان از زنی در رشت که مورد ضرب و شتم مأمور گشت ارشاد قرار گرفت اشاره کرد. در عظیمه کرج مردم در محل، با ماموری که قصد دست درازی به یک زن بیحجاب داشت درگیر شده و اجازه تعرض به وی را ندادند.

سه زن و شش مرد جوان در کرج در پاسخ به یک آخوند که درباره پوشش آنها تذکر میداد و قصد داشت امر به معروف و نهی از منکر کند، به وی حمله کردند.

سه مرد و یک زن جوان با حضور در مترو تهران و گل دادن به مسافران در حمایت از فعالین نه به حجاب که در زندان هستند و حکم های سنگین گرفته اند سخنرانی کردند.

خانواده های فعالین بازداشت شده با ارسال پیامهای تصویری، در حال جمع آوری حمایت ها از سمت جامعه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط فرزندان شان هستند و اعتراض آنها را به حق تلقی میکنند.

منیره عربشاهی از معترضین به حجاب اجباری با اینکه خود در زندان قرچک ورامین است و حکم سنگین گرفته است و در شرایط بسیار وخیمی روزهای بازداشت را سپری میکند، از داخل زندان نامه ای اعتراضی سرگشاده نوشت و مسئولان زندان را به بیماری های خطرناک و مرگ های خاموش در زندان محکوم کرد.

سپیده قلیان از داخل زندان قرچک پیام ایستادگی میفرستد و خانواده های زندانیان سیاسی و فعالین دربند را به شکستن سکوت در مورد وضعیت فرزندان شان فرامیخواند.

صدور "بیانیه جمعی از فعالان اجتماعی در حمایت از فعالین حقوق زنان دربند" یکی از اقدامات مهم این دوره است که با فراخوان صد نفر متشکل از فعالان جنبش زنان، کارگری، دانشجویی و دیگر جنبشهای مبارزاتی و نیز تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی و بازداشتی ها، تهیه و برای جمع آوری امضا و حمایت بصورت علنی منتشر شده است. این بیانیه تا بحال با استقبال بسیار خوبی مواجه شده است.

تک تک این اقدامات و مبارزات نشان میدهد که هیچگونه تهدیدی از طرف حکومت و بازوهای اجرایی و سرکوبگرایانه آن، گرچه هزینه هایی برای جنبش نوین رهایی زن و نیز جامعه دارد اما مبارزه زنان و جامعه برای رهایی زن را نمیتواند متوقف کند. حکومت جمهوری اسلامی در طی چهل سال گذشته با بکارگیری گشت های کمیته و جندالله و ثارالله و ارشاد، با ابیادی خود همچون آمرین به معروف و ناهیان از منکر و بسیجیان، با فتوای آیت الله ها و امامان جمعه ریز و درشت، نتوانسته و نمیتواند مقابل موج آزادیخواهی و رهایی زنان از شر حجاب و قوانین اسلامی را بایستد و از این به بعد هم نخواهد توانست؛ چه برسد به گشت نامحسوس و طرح های امنیت اخلاقی و بازداشت فعالین. چرا که اکثریت مردم ایران عزم خود را برای پایان دادن به ستم و سرکوب جزم کرده اند و از آنجاییکه زنان نقطه قوت مبارزات مردم علیه سرکوبها و خشونت های سازماندهی شده حکومتی و علیه کلیت جمهوری اسلامی هستند، هر اقدامی از جانب حکومت فقط ضعف یک حکومت به آخر رسیده را نشان میدهد. این اقدامات حکومت در راستای سیاست نخ نمای حکومت برای ترساندن زنان و فعالین برای حفظ حجاب هست، حجابی که بعنوان یکی از ارزشهای اساسی این حکومت، توسط اکثریت زنان و بخش پیشرو جامعه زیر پا گذاشته شده و حتی بین صفوف نظام زن ستیز اسلامی اختلاف ها را تشدید کرده است.

۴) **حمایت های بین المللی از مبارزات زنان ایران و مبارزه علیه حجاب اجباری**

در این بین حمایت های وسیع بین المللی نیز قابل اشاره است. بیش از ۳۴ هزار نفر از فعالان عفو بین الملل در اسپانیا خواهان میگیرد، زنان و بخش پیشرو

ادامه از صفحه ۵

ضرورت حمایت

توقف سرکوب و آزار زنان و نیز آزادی یاسمن آریانی و منیره عربشاهی شده‌اند. تابحال سازمان

عفو بین الملل کمپین هایی در حمایت از مبارزه زنان ایران و مبارزه علیه حجاب اجباری اعلام کرده است. همچنین در مورد "کارزار بی رحمانه حکومت حاکم بر ایران" برای اجبار معترضان حجاب اجباری به "اعتراف تلویزیونی" کمپین دیگری اعلام کرده است. برای نجات جان سپیده از قلیان فراخوان عمومی اعلام کرده است. در حمایت از ساناز الهیاری فراخوان داده است. به رئیسی، رئیس قوه قضائیه نامه کتبی ارسال کرده و خواهان آزادی فوری یاسمن آریانی، منیره عربشاهی و مؤگان کشاورز شده است. نامه سازمان عفو بین الملل به دادستان کل تهران در خصوص بازداشت شدگان روز کارگر تحت عنوان "از شما می خواهیم بلافاصله و بدون قید و شرط آیشا اسداللهی، عاطفه قطعا يك مبارزه متشکل و

رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری را آزاد کرده و همه اتهامات علیه آنها را لغو کنید" هم از دیگر اقدامات عفو بین الملل هست. عمر ننگین حکومت ضدزن جمهوری اسلامی رو به پایان است، و جامعه ایران با شتاب بیشتری بسمت يك انقلاب عظیم اجتماعی پیش می رود. در این فضای پر تلاطم سیاسی که شاهد مبارزات مستمر کارگران و دانشجویان و معلمان و دانشجوستان و دیگر جنبش های مبارزاتی هستیم، جنبش نوین رهایی زن یکی از فاکتورهای تعیین کننده در سرنگونی جمهوری اسلامی است. جنبشی که به انقلاب آتی مردم آزادیخواه ایران رنگ زنانه زده است، انقلابی که مطالبات پیشرو و رهایی بخش زنان از شر قوانین اسلامی، در آن دست بالا دارد و زنان در آن در صف مقدم اعتراضات هستند، و نه تهدید و نه زندان، نه شکنجه و نه اعتراف گیری اجباری هیچ تاثیری در پیشروی مبارزات نخواهد داشت. قطعاً يك مبارزه متشکل و

متحزب میتواند مسیری که جامعه بسمت سرنگونی حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی طی میکند را سریعتر و هموارتر کند. در این امر حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان این حزب، که همواره پرچم رهایی زن را بالا برده اند و به رادیکالترین شکل ممکن برای رهایی و حق زن دفاع مبارزه اند، در این مسیر نقش تعیین کننده ای دارند. در کنار فاکتور تعیین کننده حزبیت و مبارزه متشکل و حزبی، در این دوره ضرورت حمایت وسیع جامعه از فعالین جنبش رهایی زن و عرصه مبارزه علیه حجاب بیش از پیش مشهود است. جامعه می بایست با قدرت و شتاب و وسعت بیشتری از آنچه هست به حمایت از فعالین و به مبارزه علیه حجاب و عفاف و گشت ارشاد به پیش رود. بهمین دلیل لازم است؛ در شبکه های اجتماعی بار دیگر نقش و موقعیت حجاب در حفظ نظام جمهوری اسلامی با وسعت بیشتری مورد بحث قرار بگیرد.

بطور عموم زنان در همه شهرها و خیابانها و میادین و محله ها، در محل کار و تحصیل شده و اعلام همبستگی با آنها به يك امر فراگیر تبدیل شود. حجاب ها را بردارند. در تجمعات اعتراضی زنان سازمانها و نهادهای بین المللی همافکن حجاب ها بردارند. مردم در سطح وسیعتری در برقرار کرده، و آنها را متقاعد به محکم کردن حکومتی کنند که پر قدرت مانع خشونت های گشت ارشاد و آمرین به معروف و نهی منکر علیه زنان شوند. مردم بخصوص جوانان در محل اجازه ندهند که گروهان گبران حکومتی، به زنان دست درازی کنند. باید فضایی ایجاد شود که محافظان نظام از نزدیک شدن به حجاب بیش از پیش از فعالین جنبشهای اعتراضی در اقدامات سازماندهی شده، تجمع علیه حجاب و عفاف و علیه گشت ارشاد برگزار کنند. در دانشگاهها و مراکز فرهنگی از تریبونهای آزاد و کنفرانسها و سمینارها بعنوان فرصتی برای اعتراض به زن ستیزی استفاده شود. برای آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین دربند، تجمعات

ادامه از صفحه ۱

جنگ یا مذاکره؟

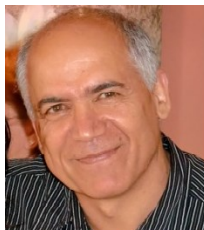
تحریم. نه علاقه و منفعتی در "مرگ بر آمریکا" دارند و نه در پی مذاکره با جمهوری اسلامی و رام کردن مالاها هستند. اینها آزادی میخواهند و رفاه و برابری و حرمت انسان. این آن طبقه و نیروی اجتماعی است که میخواهد جمهوری اسلامی و کل ماشین جنایت اش را به موزه تاریخ بسپارد. بیش از این، میخواستند از ریشه عوض کنند. نه فقط این نمایش تهدید آمیز "جنگ یا مذاکره" امروز، بلکه کل دعوای تقریباً چهار ساله آمریکا و جمهوری اسلامی و حتی خود جمهوری اسلامی با همه تناقضات و بحران هایش، اساساً برای این خلق شدند تا جلوی این نیرو را بگیرد. بیش از چهار سال پیش همین

نیروی اجتماعی به "عرش اعلاء" جز تحمل جنگ و تحریم و آنزمان هجوم برد، آنرا پایین کشید و کوشید با برپایی شوراهاش اختیار زندگی را به دست بگیرد. بورژوازی جهانی، از غرب تا شرق، هول هولکی و در توافقی نانوشته پشت سر دار و دسته خمینی و بازرگان رفت و جمهوری اسلامی شکل گرفت تا انقلاب ۵۷ را مهار و سرکوب کند. اما رژیم جدید نمی توانست به شیوه متعارف آن انقلاب عظیم که ماشین دولتی را نیز درهم کوفته بود را به شکست بکشاند. اینجاست که شعار مرگ بر آمریکا و کل جریان کثیف اسلام سیاسی و غرب ستیزی اش شکل گرفت تا با اتکاء به آن کارگران و زنان و کمونیست ها و آزادیخواهان را سرکوب کنند. این ماجرای "جنگ یا مذاکره" امروز تکرار ۶ دی و دختران خیابان انقلاب و طنین شعار اداره شورایی بر خود میلرزد و سعی میکند با برپایی بیدادگاه های مسخره اش به خود قوت قلب بدهد. صورت مساله "جنگ یا مذاکره" غیر واقعی و قلابی است. در ایران يك جنبش عمیق، وسیع و انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی وجود دارد که هر دم وسیع تر و بالغ تر و چپ تر میشود. فاکتور تعیین کننده اوضاع در ایران در تحلیل نهایی همین جنبش است. راه حل واقعی جنگ، نه امید بستن به مذاکره، بلکه گسترش جنبش سرنگونی و پیروزی قاطع همین جنبش است که روشن است که جنگ يك فاجعه خواهد بود. اما اگر جنگی در بگیرد فوری ترین و کم هزینه ترین راه برای پایان دادن جنگ، قیام کارگران و مردم برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی است. اما مذاکره هم هیچ نفع جدی برای مردم نخواهد داشت. بعلاوه هیچ مذاکره ای تناقضات و بحران های پایه ای و مزمن جمهوری اسلامی را مرتفع نخواهد کرد. چنانکه مذاکره های قبلی نکرده است. مذاکره معنایی جز ادامه بن بست و بحران جمهوری اسلامی و تداوم اوضاع نکبت بار موجود نخواهد داشت. راه حل واقعی اوضاع ایران، نه جنگ، نه امید بستن به مذاکره، بلکه گسترش جنبش سرنگونی و پیروزی قاطع همین جنبش است که روشن است که جنگ يك فاجعه خواهد بود. اما اگر جنگی در بگیرد فوری ترین و کم هزینه ترین راه برای پایان دادن جنگ، قیام کارگران و مردم برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی است. اما مذاکره هم هیچ نفع جدی برای مردم نخواهد داشت. بعلاوه هیچ مذاکره ای تناقضات و بحران های پایه ای و مزمن جمهوری اسلامی را مرتفع نخواهد کرد. چنانکه مذاکره های قبلی نکرده است. مذاکره معنایی جز ادامه بن بست و بحران جمهوری اسلامی و تداوم اوضاع نکبت بار موجود نخواهد داشت. راه حل واقعی اوضاع ایران، نه جنگ، نه امید بستن به مذاکره، بلکه گسترش جنبش سرنگونی و پیروزی قاطع همین جنبش است که روشن است که جنگ يك فاجعه خواهد بود. اما اگر جنگی در بگیرد فوری ترین و کم هزینه ترین راه برای پایان دادن جنگ، قیام کارگران و مردم برای

نشریه انترناسیونال را**به دوستان و آشنایانتان معرفی کنید!**

منشاء ناکامی و سردرگمی احزاب راست

اصغر کریمی



نتیجه اینها سرخورده و ناکام شده علیه فقر و زندان و اعدام در صف اند. اما بحران و سردرگمی این مقدم مبارزه قرار گرفته اند، جریانات قدیمی تر از داستان بخش عظیمی از جامعه از مذهب ترامپ است. هرچند این فاکتور روی برگردانده و مذهب را بعنوان نیز در وضعیت بحرانی این ابزار مفتخوری شناخته است، جریانات موثر بوده است اما این جامعه هرچه بیشتر از اخلاقیات فاکتوری مقطعی و فرعی است. سنتی دور شده و کارگران و فاکتور اصلی در وارفتگی، معلمان و بازنشستگان، دست به سردرگمی و شکست طرح های پی سنت های مبارزاتی بسیار مدرن در پی اپوزیسیون راست، ناشی از و پیشرو برده اند. اوج این تحرك و يك واقعیت اساسی تر در جامعه این فضا را در جریان اعتراضات است. واقعیتی که رسانه های کارگری در هفت تپه و فولاد دست راستی به آن اشراف کامل اهواز و همبستگی عمومی دارند اما مطلقاً نمیخواهند از آن جامعه با آنها و قبل از آن اسم ببرند و آن فضای چپ جامعه همبستگی وسیع با کارگران آتش است. واقعیت این است که جامعه نشانی در فاجعه پلاسکو شاهد ایران و فضای حاکم بر اعتراضات بودیم. حق طلبی، برابری طلبی، بسیار به چپ چرخیده است و از فضای ضد تبعیض، فضای ضد جریانات راست هر روز بیشتر مذهبی مهمترین شاخص فضای فاصله گرفته است. کافی است به سیاسی ایران است. در واقع این مشغله ها، بیانیه ها، فراخوان مهمترین تحول سیاسی در يك و ها، تاکتیک ها و استراتژی و نیم دهه اخیر بوده است و این اهداف این جریانات نگاه کنید تا جریانات ربطی به این تحول مهم عدم خوانانی آنها با جامعه را به ندارند و بشدت از این فضا و این وضوح مشاهده کنید. نفس مبارزات بیگانه اند. آنها مدام بر وابستگی و اتکایشان به دست تمامیت ارضی و سنن ملی راستی ترین دولت ها از جمله میکوبند و در گذشته سیر دولت ترامپ نیز از نظر بخش میکنند و جامعه هر روز بیشتر مهمی از مردم در شرایط کنونی از آنها فاصله میگردد و چشمش نه يك نقطه قدرت که يك نقطه را بر آنها مینندد. البته این ضعف به حساب میاید. جریانات فشار چپ را کاملاً بر

توانستند رضا پهلوی را در بوق ناسیونالیست های مشابه اینها را کردند و دو شعار در دیماه ۹۶ در کردستان عراق دیده اند. این مدح رضاشاه را برجسته کردند تا احزاب به دسته های مسلح بی این اپوزیسیون یعنی ناسیالیسم ربط به مردم تبدیل شده اند که طرفدار دول غربی و در این دوره گاه دست به ماجراجویی نظامی طرفدار ترامپ و شخص رضا زده اند، که همواره هم با شکست پهلوی بعنوان چهره شاخص این مواجهه بوده است و گاه وارد جریان را تقویت کنند. این تلاش مذاکرات مخفیانه با عوامل ها به جایی نرسید. تلاش های حکومت شده اند. ذره ای پرنسیپ دیگر سلطنت طلبان برای شکل دادن به يك حزب و سازمانی قابل نمیشود. اینها به هر قیمتی اتکا که روی پای خود بایستند و به حاضرند خود را بفروشد. اینها وزنه ای سیاسی در جامعه تبدیل هیچ ربطی به اعتراضات حق شود نیز هیچکدام سرانجامی طلبانه بخش های مختلف مردم نیافت. از جمله میتوان به نامه نداشته اند و هیچ موفقیتی در سی نفره به ترامپ بعنوان يك این عرصه نصیبشان نشده است. تلاش عبث و یا برگزاری دهها یه جرات میتوان گفت که حتی جلسه مخفی از سران جریانات بدرجات زیادی در جنبش خود، مختلف راست از سلطنت طلبان ناسیونالیسم کرد، جایگاه خاصی تا ناسیونالیست های کرد و ندارند. هیچکدام از این جریانات کسانی مانند سازگارا اشاره کرد استحکام سازمانی ندارند. نیروی که هیچکدام کوچکترین اثری از قابل اتکاتی برای تداوم فعالیت خود بجا نگذاشته اند. حتی به شیوه سابق جذب آنها

مثال دیگر از وضعیت احزاب نشده است و بی افقی تمام عیاری اپوزیسیون راست، احزاب بدلیل سالها شکست و عدم ناسیونالیست در کردستان است موفقیت، بر این سازمانها حاکم که وضع حتی وخیم تری از شده است. در ادامه این ناکامی سلطنت طلبان دارند. اینها در ها است که به ساز حکومت و دهه گذشته جز رسوایی ببار علیه جنبش سرنگونی میرقصند. نیابوده اند. دو حزب دمکرات از رژیم هم موقعیت زار آنها را نظر فرهنگی و سیاسی به جامعه میداند و هم ظرفیت ضد بربط تر شده اند. اینها در همان کمونیستی آنها را بخوبی باغ چهل سال قبل سیر و سیاحت میشناسد و روی همین حساب باز میکنند. دو حزب زحمتکشان که کرده است. اینها فقط در تقابل با اصلاً بدنام دنیا آمده اند. اگر انقلاب و حرکت رادیکال مردم دمکراتها سابقه جنگ افروزی با است که ممکن است جایگاهی کومله چپ سه دهه قبل را دارند و برای خود ببینند و خواب و خیالی جنایات زیادی علیه کمونیست ها برای خود بتراشند. مرتکب شدند، زحمتکشانی ها در مورد علت این وضعیت در همین سالهای اخیر دست به يك تصور رایج این است که اینها ترور مخالفین و حمله به اردوگاه به دولت آمریکا و مشخصا در مخالفین خود زده اند و بند این دوره به ترامپ دخیل بسته اند

نافشان با کودتا علیه سازمانی و ترامپ هم آب پاکی روی دست که در آن فعالیت میکردند بریده این ها ریخته و رسماً و موکدا شده است. بویژه که مردم گفته است که خواهان سرنگونی کردستان حکومت فاسد جمهوری اسلامی نیست. و در

توانستند رضا پهلوی را در بوق ناسیونالیست های مشابه اینها را کردند و دو شعار در دیماه ۹۶ در کردستان عراق دیده اند. این مدح رضاشاه را برجسته کردند تا احزاب به دسته های مسلح بی این اپوزیسیون یعنی ناسیالیسم ربط به مردم تبدیل شده اند که طرفدار دول غربی و در این دوره گاه دست به ماجراجویی نظامی طرفدار ترامپ و شخص رضا زده اند، که همواره هم با شکست پهلوی بعنوان چهره شاخص این مواجهه بوده است و گاه وارد جریان را تقویت کنند. این تلاش مذاکرات مخفیانه با عوامل ها به جایی نرسید. تلاش های حکومت شده اند. ذره ای پرنسیپ دیگر سلطنت طلبان برای شکل دادن به يك حزب و سازمانی قابل نمیشود. اینها به هر قیمتی اتکا که روی پای خود بایستند و به حاضرند خود را بفروشد. اینها وزنه ای سیاسی در جامعه تبدیل هیچ ربطی به اعتراضات حق شود نیز هیچکدام سرانجامی طلبانه بخش های مختلف مردم نیافت. از جمله میتوان به نامه نداشته اند و هیچ موفقیتی در سی نفره به ترامپ بعنوان يك این عرصه نصیبشان نشده است. تلاش عبث و یا برگزاری دهها یه جرات میتوان گفت که حتی جلسه مخفی از سران جریانات بدرجات زیادی در جنبش خود، مختلف راست از سلطنت طلبان ناسیونالیسم کرد، جایگاه خاصی تا ناسیونالیست های کرد و ندارند. هیچکدام از این جریانات کسانی مانند سازگارا اشاره کرد استحکام سازمانی ندارند. نیروی که هیچکدام کوچکترین اثری از قابل اتکاتی برای تداوم فعالیت خود بجا نگذاشته اند. حتی به شیوه سابق جذب آنها

آب در خوابگاه مورچگان!

شهرام نجفی

شوند. همباشانش کمی با هوشتر است و همه این جماعت از خطر جنبش جاری کارگری و سوراخهایشان بیرون خزیده اند و معنی شعارهای نان، رفاه، آزادی چیزی مینویسند، پیغامی ویا و بیزاری از استعمار آنها را حس هشداری میدهند تا آغاز این کرده است و میخواهد با نمایش مضحك با هیجان جلوه کمونیست خواندن این کشورها به کند. صفایی فراهانی می نویسد جنگ کمونیسم و خطر آینده اش "اگر واقعا شرایط تغییر نکند، برود و این برایش مقدم بر هر چیز بنده خودم رای نمی دهم!" اینکه است.

مبارزات و اعتراضات و بسته ترین و آشتی طلب ترین و از "انتخابات" کذابی حکومت را کارزار روزانه و مستمر مردم از قضا رهبر "اصلاحات" کذابی هم دارد. جنبش درخشان زنان، دانشجویان، هست و دنده اش در مقابل تحقیر بعد از این شروع مضحك، معلمان، مالباختگان و توهین از همه پهنتر است را به حالا نوبت زور آزمایشی و بازار بازنشستگان، نویسندگان، جلو رانندند. البته اینبار نه در گرمی و رقابت "رقیب" رسید. را لابد خود میدانند و نظام. و تکاندننده" و شوهای تلویزیونی و رانندگان و پرستاران، خانواده ها و قامت تراژیک و قیافه خندان رقیب هم مثل همیشه با نشان اول منفورترین، حضور بی قید و شرط در قدرت بودندشان حکایت از اوج گیری مادران داغیده گرفته تا، و در سالهای اواخر دهه هفتاد، بلکه به دادن چنگ و دندان به "سیمای" تاج زاده می فرماید "با استراتژی" که اتفاقا زودرس راس و پیشتاز همه، مبارزات شکلی مضحکتر و کمدی تر ظاهر خودش می آید. اول منفورترین، حضور بی قید و شرط در قدرت بودندشان حکایت از اوج گیری کارگران محروم از ابتدایی ترین می شود. مثل کسی که نه تنها خونیترین و جنایکارتترین تاثیر نخواهیم داشت" (شما حقوق در کف خیابان ها و کارخانه ممنوع تصویر بوده، بلکه نماینده اشان را به رخ کشیدند. بخوانید، "سهم بیشتری") و از این روزانه مردم کارگر و زحمتکشان و ها برعلیه این نظام جهنمی همزمان چشم و گوشش نیز بسته مصطفی پورمحمدی را که از سن نوع فرمایشات مدام بیرون ستمدیدگان و در راس آن طبقه جنایت و سرمایه می رود تا کل بوده است و این همه غلیان و ۱۹ سالگی که به سمت دادستان میریزد.

این نظام خون ریز را به زیر کشد. جنبش و اعتراض مردمی و انقلاب در مسجد سلیمان این تازه پیش پرده این مستقیما هیچ اشاره ای نمیشود. در چنین شرایطی همه دست شعارهای کوبنده را، نه دیده و نه منسوب شد، جوانی و شایستگی سناریوی مسخره است. سیل گویا گوش آنها شعارهای سراسر اندرکاران حفظ نظام و همه آنها بی شنیده است. این جناب از مردم و شیفتگی خود را در کشتار و قلع انتقادات حضرات همراه با چشمک و قاطع مردم کارگر را که از فرط که هستی اشان در گرو ماندگاری سرنگونی طلب و خشمگین و قمع و جنایت آغاز کرد و به یمن زدن به یکدیگر تازه شروع می فریاد و تکرار ورد زبان کودکان آن است، به تقلا و جنب و جوش میخواهد که "فداکاری" کنند، از این کارنامه "درخشان" تا سمت شود. نامه های "تکان دهنده" زیر دهسال شده است را نشنیده افتاده اند. با آشفتهگی و خود گذشتگی کنند" و به خاطر وزیر ارتقاء یافت. کسی که در فضای مجازی را یکی بعد از اند که "اصلاح طلب اصولگرا. سراسیمگی زودتر از "موعد حفظ نظام و ایران" پای صندوقها طول زندگی نکبت بارش چنان دیگری تسخیر می کند. اولینش دیگه تمومه ماجرا"، "شکست مقرر" از سوراخهایشان بیرون بیایند! زیرا خطر اصلی" خطر سابقه سیاه سرکوب و سعیت متعلق به تیورسین تکخال پشت مردم، زیر بار تورم"، "ملت خزیده و به بهانه "انتخابات" آتی جنگ" است. این سخنان " دارد که قتلهای زنجیره ای قسمت اصلاحات آقای سعید حجاریان گدایی می کنه، آقا خدایی هر کس در حد بضاعتش دست گهربار" از طرف کاربران فضای کوچکی از کارنامه سیاهش به است که البته ایشان سمت ولایی میکنند". ویا چشمانشان بکار شده تا مگر صحنه را برای مجازی در هشتکی بنام خود او با حساب می آید. او به صدا می آید هم دارند. ایشان در يك نامه " اعتراضات و اعتصابات و کارزار حضور گروه ها و سازمان ها ویا چنان واکنشی روپرو شد که رسانه و گوشزد می کند که هنوز تکان دهنده" مثل مردان سنتی روزانه کارگران و سایر افسار احزابی که با صراحت یا با ها به دلیل توهین آمیز بودن حسابش را با معترضین به نظام که در خانه زنانشان را به اسم زحمتکش کارد به استخوان رسیده شرمندگی هنوز از رژیم مطالبه پاسخ ها از ذکر و پخش آن عذر "تسویه" نکرده است و به اندازه فرزند ذکورشان صدا می زند، کارخانه ها و کارگاه ها را که تغییر دارند بیارایاند. تا متحدا به خواهی کردند.

چشم جنبش مردم بپاخاسته برای نظر به این "استقبال گرم" انتظار حرف دیگری از امثال او که فصل الخطاب قرار می دهد. و فریادشان شعارهای "کارگران انقلاب و سرنگونی خاک پاشیده، طیفهای دیگر "اصلاح طلبان" و نه فقط بینهایت جنایتکار است بلکه هنوز تماما در توهمات دهه به او می گوید و این قهر و نواز "حق خود نگیریم، از پا نمی مقابل آنها بایستند و از شدت و دوم خردادها لحنشان نسبت به رهبر اصلاحات کذابی تغییر کرد سرعت انقلاب مردم بکاهند. رهبر اصلاحات کذابی تغییر کرد ابتدا دو بازیگر پیشکسوت و و بر آشفته هر کس هر جا دستش بهر حال این پیام تازه ای نیست و صورت به حساب نیابردن ایشان، همیشه این مضحکه، یعنی رسید یا تریبونی به دست آورد به احتیاجی به تفسیر ندارد. رانندگی ماشین تحریم خاموش را طلب و خواهان رفاه و رهایی در "اصلاح طلب" و "اصولگرا" دست خاتمی تاخند که این با سخنان درست دو روز بعد از این به عهده می گیرد. ولی فعلا اکثر کشورهای جهان پشتیبانی بکار شده به روی صحنه رفتند. بسیاری از اصلاح طلبان اهل فکر نمایش نخ نما شده مثل همیشه در فرازهایی از این نامه "تکان می شود را نمی بینند.

ازهارترین تا دست آموزترین آنها و سخن مغایرت دارد. عده ای به آغاز تبلیغات "انتخاباتی" اولین دهنده" گویا اینان از اسماعیل بخشی تلاش کردند تا تماشاچی را خروش، که چرا خاتمی از مردم طلایه های پیش درآمد "آزادی" "یاد بگیرید که روی موشک اسم و سبیده قلیان و آتنا دایمی و علی مسحور کنند و به صاحبان قدرت تقاضای "فداکاری" دارد و نه از فضای مجازی را پر می کند. و دیگر کشورها را ننویسد"، "یاد مدنی و سیاسی که زیر وحشیانه هر یکی در حفظ و نگهداری این برافروخته تر، که "این سرکوبگران" خواهرسیبی" را نشان می دهد و خیلی نصیحتهای مخلصانه ترین شکنجه ها هستند و نظام اسلامی سرمایه از دیگری چکمه پوش" ملت را به گروگان که در پارکی ظاهرا آزادانه روبروی دیگر. ولی همه اینها را گفته تا سلامتی و جانشان در خطر است و شایسته تر است. برای ورود اول گرفته اند. البته خودشان این رهبر هم نشسته و ورق (کارت) بازی جان کلام و حرف دلش را بگوید: "تمام کارگران و مردم برابری طلب تمام کارگران و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان نامشان را از حفظ دارند. خبری ندارند.

بزرگترین ظلم تاریخ" بر او رفته شناسند بنابراین شما این حملات تفصیل قرار است تنوز انتخابات کمونیستی، عاقبت و سرنوشتی هم چون کره شمالی و ونزوئلا و دارند. خبری ندارند.

التصویر" بوده است. به توافق همه جنگ و جدالها در واقع حکم هیزم سرنگونی طلبی بردارند و به رای کوبا در انتظارش است". می خیزش دیمه ۹۶ طلایه يك اصلاح طلبان خاتمی که دست خشک برای گرم کردن تنور به این جناح و آن جناح متوسل بینید؟ ایشان نسبت به دیگر

اعلام کیفرخواست رنگین کمانان ایرانی در فستیوال پراید استکهلم



روزهای چهارشنبه ۳۱ ژوئیه، و کیفرخواست رنگین کمانی های پنجشنبه و جمعه اول و دوم آگست ایران علیه چهل سال خشونت و ۲۰۱۹، میز اطلاعاتی سازمان جنایتهای حکومتی علیه این جوانان کمونیست با شعارهای نه بخش جامعه بود، به جمع آوری به جمهوری اسلامی، نه به دخالت امضا پرداخته شد تا به مذهب در زندگی انسانها، گرایش سازمانهای بین المللی مدافع جنسی من حق من است، حقوق انسانی ارسال شود.

همبستگی ال جی بی تی کیوهای در روز اخر فستیوال پراید ایران و افغانستان و خاورمیانه، استکهلم که بعنوان رژه افتخار توجه شرکت کنندگان در پارک شناخته میشود یک بار دیگر پراید را به خود جلب کرد و با خیابانهای شهر استکهلم سوئد، استقبال بسیار گرم و صمیمانه به تسخیر ما در آمد، با بازدید کنندگان مواجه شد.

در این سه روز، طی بروشورهایی، گزارش جامع و کاملی از وضعیت #همجنسگرایان #ترنس ها و #کوئیر های ایران، افغانستان و خاورمیانه به بازدید کنندگان داده شد. همچنین طی یک پتیشن آنلاین که شامل اعلام دادخواهی

سیاسی اپوزیسیون جمهوری جمعیتی بین ۵۰۰ هزار تا یک اسلامی هر ساله پرچم دفاع از حقوق #همجنسگرایان #ترنس ها و #کوئیر های ایران و خاورمیانه را بالا می برد، فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهد"

بازدید کنندگان که هر ساله

Down With The Islamic Republic of Iran

بازدید کنندگان که هر ساله

نه می گوئیم، ما خواهان آزادی، برابری، سکولاریسم، مدرنیسم، شادی و رفاه عمومی هستیم." سازمان جوانان کمونیست ۱۳ مرداد ۱۳۹۸ ۴ آگست ۲۰۱۹ برای عضویت و فعالیت با شماره 0046739681438 در تلگرام تماس بگیرید!

همین امروز ایستاده اند و در کف خیابان دارند شعار آزادی، برابری میدهند و کل بساط سرمایه داری دزدسالار را به محاکمه میکشند. این را در شعار اعتراضی همین تجمعات معلمان شاغل و بازنشسته در روز ۱۴ مرداد به روشنی دیدیم که با فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، خواستههایشان را فریاد زدند. اما بد نیست به عنوان یک خبر خوب در آخر صحبت هایم از پایان اعتصاب سپیده قلیان بگویم که با توجه به اینکه به بخشی از خواستههایی که در حمایت از زندانیان در بند داشت رسیده است، آنرا پایان داد. زنده باد سپیده قلیان. *

ادامه از صفحه ۳
هفت تپه قهرمان

روز بعد از دادگاهی کردن بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، کرمانشاه و اهواز شاهد تجمعات معلمان شاغل و بازنشسته با شعار "نه بازخواست، نه زندان دیگر اثر ندارد" بودیم که به زعم من جواب مردم به برپایی چنین بیدادگاههایی است. بنابراین روشن است که این موضوع به این سادگی تمام نخواهد شد و دادگاهی کردن اسماعیل بخشی و بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه برای حکومت اسلامی گران تمام خواهد شد. مردم مقابل این حکومت می ایستند و

چپ جامعه کارشان سخت تر شده است. آنها حتی مجبور شده اند به رهبران کارگری و فعالین چپ و سوسیالیست تریبون بدهند و از مبارزات کارگری صحبت کنند و ناخواسته قطب چپ جامعه و شخصیت های چپ را بدون اسم بردن از حزب و کمونیسم مطرح کنند. و یا در پلاتفرم هایشان گوشه هایی از خواست های مردم را مطرح کنند تا آلترناتیو راست خود را به خورد مردم بدهند. این عقب نشینی ناشی از فشار کمونیسم در جامعه است و به سهم خود راه را بر کمونیسم هموارتر میکند. آنها مدام بر انتخابات آزاد! و رفراوند میکوبند اما جامعه بویژه از تیرماه ۷۸ و سال ۸۸ و دیماه ۹۶ و ادامه آن به همگان نشان

ادامه از صفحه ۷
منشاء ناکامی و سردرگمی

راست در مانع تراشیدن بر سر مبارزه مردم بر علیه جمهوری اسلامی و برای رهایی را بیشتر افشا کنند. بویژه حضور در جنبش ها و حرکت های اعتراضی و حق طلبانه در عرصه ها و زمینه های مختلف و تلاش برای تقویت این جنبش ها و تقویت جناح چپ آنها یک حلقه مهم در تقویت آلترناتیو کمونیستی در جامعه است. جریانات راست علیرغم همه سردرگمی ها فعلا هستند و تلاش میکنند مقابل سیر رو به رشد کمونیسم بایستند و رسانه های دست راستی همچنان آنها را باد میزنند. اما در مقابل فضای

اسلامی تان نخواهید شد. چرا که مردم کارگر و در راس آنها طبقه کارگر با حضور در کارزاری این شامرتی بازیها و سناریو های مضحک و تکراری قادر به جلوگیری از انفجار و سرنگونی و آزادی و برابری را انتخاب کرده محو نظام سرمایه و خونریز

موقعیت و موقیسم "خطر" کمونیسم در انفجار آمیز جامعه را احساس کرده اید. ولی دیگر دیر است و با این شامرتی بازیها و سناریو های مضحک و تکراری قادر به جلوگیری از انفجار و سرنگونی و آزادی و برابری را انتخاب کرده محو نظام سرمایه و خونریز

جایگزینی بعد از سرنگونی در دستور کار و گفتمان قرار گرفته است. برای رهایی و برابری و رفاه کارگران و زحمتکشان چاره واقعی را در استقرار حکومتی انسانی و سوسیالیسم یافته اند. شما آقایان نیز به درستی

کوبیدند. و جامعه این اصل سیاسی انقلاب یعنی نخواستن مردم و نتوانستن حکومت را دارد به چشم میبیند. جامعه در غلبان و جنب و جوش است اداره شورایی از طرف کارگران در اعتصابات سراسری به اصل

ادامه از صفحه ۷
آب در خوابگاه مورچگان!

انقلاب و دگرگونی عمیق بود. در این تحول، کارگران پرچم خواست عمومی جامعه را بلند کرده و مهر خود را بر پیشانی جنبش

آکسیون سراسری برای آزادی سهیل عربی

نهاد "جمهوری بی خدایان" روز شنبه ۱۷ اوت ۲۰۱۹ را بعنوان روز جهانی مبارزه برای آزادی سهیل عربی و منتقدین اسلام و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران اعلام کرده است. در فراخوان این اعتراض آمده است که با برپایی گردهمایی‌های اعتراضی در مقابل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی و یا هر جا که می‌توانید در حمایت از سهیل عربی و علیه حکومت اختناق و سرکوب اسلامی به اعتراض برخیزید و خواهان آزادی سهیل عربی و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران شوید. کمیته بین‌المللی علیه اعدام از این اقدام قویا حمایت می‌کند و تمام فعالین علیه اعدام و همه مردم آزادیخواه را فرامی‌خواند که در آکسیون‌های اعلام شده در کشورهای مختلف شرکت کنند و یا خود مبتکر سازماندهی تجمعات اعتراض شوند. شهرهایی که تاکنون اعلام آکسیون کرده اند:

۲۱- کیپ تاون - آفریقای جنوبی

زمان: ۱۷ اوت، از ساعت ۱۲ تا ۱ بعد از ظهر

مکان: Company Gardens Cape Town,
Meeting at the entrance on the corner of
Queen Victoria and Dean Street

۱۷- پاریس

زمان: ۱۷ اوت، از ساعت ۱ تا ۲ بعد از ظهر

مکان: Embassy of the Islamic
Republic of Iran, 4 Avenue d'Iéna,
75116 Paris, France

۱۸- برلین

زمان: ۱۷ اوت، از ساعت ۵ تا ۶ بعد از ظهر

مکان: Brandenburg Gate, Berlin,
Germany

۱۹- لاهه

زمان: ۱۷ اوت، از ساعت ۱۲ تا ۲ بعد از ظهر

مکان: The T junction of Hogeweg
and Duinweg, Hogeweg 22-16,
2585 JD Den Haag, Netherlands

۲۰- سیبو - فیلیپین

زمان: ۱۷ اوت، از ساعت ۷ تا ۹ عصر

مکان: Talamban Leisure Center,
Cebu City, Cebu, Philippines

۱- استکهلم:

۱۷ اوت، ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر

محل: Mynttorget

۲- کلن:

زمان: ۱۷ اوت، ساعت ۲ و نیم بعد از ظهر

محل: Köln Bahnhofvorplatz um

۳- تورنتو:

زمان: ۱۷ اوت، ۵ تا ۷ بعد از ظهر

محل: Iranian plaza, yonge street

۴- ونکوور:

زمان: ۱۷ اوت، ۳ تا ۵ بعد از ظهر

محل: مرکز شهر، در مقابل آرت گالری سمت

خیابان رابسون

Meeting at the intersection of
Robson Street and Hornby Street,
Vancouver BC, V6Z 2E7

۵- گوتنبرگ:

زمان: ۱۷ اوت،

جزئیات بیشتر بعدا به اطلاع میرسد

۶- فرانکفورت:

زمان: ۱۷ اوت،

جزئیات بعدا به اطلاع میرسد.

۷- وین:

زمان: ۱۷ اوت، ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر

محل: Mariahilfer Straße 78-80 1070
Wien, Österreich

۸- لندن:

زمان: ۱۷ اوت، از ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر

محل: Embassy of The Islamic
Republic of Iran, 16 Princes Gate,
London. SW7 1PT

۹- مالمو:

زمان:

۱۷ اوت،

جزئیات بعدا به اطلاع خواهد رسید.

۱۰- اوتاوا:

زمان: ۱۷ اوت - از ساعت ۱۰ تا ۱۱

Canadian Tribute to Human Rights
Monument, 220 Elgin Street,
Ottawa, ON K2P 1L7

۱۱- اندیاناپولیس - آمریکا

زمان: ۱۷ اوت، از ساعت ۱۰ تا ۱۱

مکان: Outside of Key Law Office
1389 W 86th St, Ste 150,
Indianapolis, Indiana

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

اطلاعیه شماره ۶:

تداوم اعتصاب کارگران راه آهن

کمک مالی به حزب

علی نعمتی ۴۰۰۰ کرون
صابر رحیمی ۴۰۰۰ کرون
رضا شرکانلو ۶۰۰ کرون

اطلاعیه خبری:

اعتصاب کارگران بگم قلعه ارومیه، تجمع اعتراضی

کارگران شهرداری کلاله آزادی انیسا اسداللهی

اعتصاب کارگران بگم قلعه ارومیه

روز ۱۶ مرداد ۱۲۰ کارگر بگم قلعه (هدایت آبریز به دریاچه ارومیه) برای سومین روز متوالی در اعتراض به تعویق پرداخت چند ماه مزد خود دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت فوری طلبهایشان شدند.

* * * * *

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری کلاله

روز ۱۵ مرداد حدود ۵۰ کارگر شهرداری کلاله در استان مازندران که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری مشغول کارند در اعتراض به نبود امنیت شغلی، وعده های توخالی مدیریت و عدم دریافت معوقات مزدی خود مقابل فرمانداری تجمع کردند. زیر فشار این تجمع علی بیانی فرماندار شهرستان کلاله در جمع کارگران حاضر شد و وعده پیگیری خواستههایشان را داد. به گفته این کارگران از سال ۹۳ که تحت مسئولیت پیمانکار در شهرداری مشغول کار شدهاند مطالباتشان با تاخیر پرداخت می شود. کارگران شهرداری در شهرهای مختلف در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت کاری برده وار خود بارها تجمع کرده اند. گستردگی اعتراضات کارگران شهرداری بستر مناسبی برای سامانمایی اعتراضات آنان، ایجاد شورای هماهنگی اعتصاباتشان و برپایی اعتصابات سراسری این کارگران است.

* * * * *

انیسا اسداللهی آزاد شد

روز ۶ مرداد انیسا اسداللهی از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر با قید وثیقه ۲۰۰ میلیونی و به شکل موقت آزاد شد. آزادی انیسا رابه وی، به خانواده اش و به همگان تبریک میگویم. انیسا اسداللهی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر است که بعد از آزادی از زندان بار دیگر در روز ۲۸ خرداد ماه بازداشت و به زندان اوین منتقل گردید. هم اکنون سه نفر دیگر از بازداشت شدگان اول ماه مه به اسامی عاطفه رنگریز، مرضیه امیری و ندا ناجی همچنان در بازداشت بسر میبرند. بر اساس خبرها روز چهاردهم مرداد جلسه دادگاه عاطفه رنگریز به ریاست قاضی مقیسه برگزار شد. برای او قرار وثیقه دو میلیارد تومانی صادر شده است که امکان تامین این قرار برای خانواده ی ایشان وجود ندارد. همچنین بنا بر خبر دیگری ندا ناجی در روز ۱۶ مرداد از زندان قرچک ورامین به بند زنان اوین منتقل گردید. شب ۱۵ مرداد دو نفر از فعالین ندای زنان ایران مریم محمدی و اسرین درکاله نیز به این بند منتقل شدند. مریم محمدی در ۱۷ تیر و اسرین در کاله در ۶ مرداد بازداشت شده است.

عاطفه رنگریز، مرضیه امیری، ندا ناجی، مریم محمدی، اسرین درکاله، تمامی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و پرونده های امنیتی تشکیل شده برای همه آنان دور انداخته شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مرداد ۹۸، ۱۷ اوت ۲۰۱۹

اعتصاب کارگران راه آهن که قراردادهای موقت دست به از سوی مدیریت شرکت تراورس و از یک هفته پیش آغاز شده اعتصاب زده اند و اعلام کرده اند مدیران شرکت تهدید شده اند که تا رسیدن به خواستههایشان به در صورت تداوم تجمع و مختلف ادامه دارد. کارگران اعتصاب ادامه خواهند داد. این اعتصاب، از کار اخراج خواهند نگهداری خطوط و ابنیه فنی راه آهن راه در بندرعباس، پیمانکاری تراورس کار میکنند و ادامه دارد.

نورآباد شازند، کرج، اسلامشهر قبلاً نیز با خواست پرداخت تهران، رباط کریم، سیرجان دستمزدهای معوقه و رسمی شدن

هرمزگان، احمدآباد رفسنجان و قراردادهای کاری شان جمعاعتی خراسان در اعتراض به عدم برپا کرده بودند. در جریان این ۱۵ مرداد ۹۸، ۶ اوت ۲۰۱۹

اعتراضات کارگران راه آهن بارها

تجمع معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان و پیوستن تعدادی

از والدین دانش آموزان و مردم به صف آنان

جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن

تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد، از حمایت و همبستگی همه والدین دانش آموزان و مردم شهر که با آنها اعلام همدردی و پشتیبانی کرده و در کنارشان ایستادند قدردانی کرده و از آنها خواستند که با حفظ روح همبستگی خواهان محقق شدن خواسته های معلمان و نیز آزادی معلمان زندانی شوند.

در این روز معلمان شاغل و بازنشسته در اهواز نیز تجمع داشتند. در کنار آنان جمعیت زیادی از مریبان پیش دبستانی و نیروهای حق التدریس از شهرهای مختلف استان از جمله ایذه حضور داشتند. آنها همصدا با دیگر همکارانشان در تهران که دومین روز تجمع خود را در مقابل وزارت آموزش و پرورش برپا کرده بودند، خواستار استخدام رسمی در آموزش و پرورش و روشن شدن وضعیت قرارداد کاری خود بودند.

پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ مرداد ۹۸، ۱۳۹۷، ۵

اوت ۲۰۱۹

مردم مانع شرکت آنها در تجمع معلمان میشدند.

معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان طی بیانیه ای ضمن تاکید بر مشترک بودن خواسته هایشان با معلمان در تمام استانها مطالبات خود را در ۶ بند اعلام داشتند که در راس آن خواست آزادی فعالان صنفی فرهنگی و بسته شدن همه پرونده ها در این زمینه و لغو وثیقه های سنگین قرار داشت.

دیگر بندهای مطالباتی معلمان در تجمع این روز عبارت بودند از: رفع موانع قانونی برای فعالیت رسمی و آزاد تشکلهای معلمان، توقف سیاست پولی سازی مدارس، اجرای تمام و کمال نظام رتبه بندی معلمان، ترمیم اساسی حقوق فرهنگیان و پرداخت تمام معوقات آنها اعم از اضافه کاری، مطالبات معلمان خرید خدمت، حق التدریس، و همسان سازی حقوق بازنشستگان فرهنگی با شاغلان و ارتقای آن به بالاتر از حد خط فقر هفت میلیونی.

در خاتمه معلمان معترض

در بیانیه خود ضمن تاکید بر اینکه اگر پاسخ نگیرند به

امروز ۱۴ مرداد علیرغم ممانعت نیروی انتظامی از جمع شدن معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان، معلمان با دست داشتن بنرهایی که بر روی آن اعتراض و خواستههایشان نوشته شده بود، در مقابل آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند. معلمان معترض با پلاکارد و شعار دادن خواستههای خود را مورد تاکید قرار میدادند. در این تجمع از جمله بنرها و پلاکاردهایی با این شعارها و خواستها که در واقع صدای اعتراض تمام جامعه است بچشم میخورد: "جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن"، "معلم می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "تورم، گرانی، جواب بده روحانی"، "جای معلم زندان نیست"، "تحصیل رایگان حق مسلم کودکان است"، "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید". همچنین جالب توجه بود که در این روز تعدادی از والدین دانش آموزان و مردم شهر نیز به نشانه همبستگی به تجمع معلمان پیوسته بودند. نیروهای انتظامی در وحشت از شرکت بیشتر مردم در اعتراض معلمان، با تهدید و مقابله با

تجمع اعتراضی معلمان شاغل و بازنشسته در کرمانشاه، تبریز، اصفهان، اهواز و ادامه اعتراضات هزار معلم حق

التدریسی در تهران

اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر و وضعیت مدارس و خط فقر اعتراض خود را به کل وضع موجود ابراز میکردند.

در اهواز پلاکاردها و بنرهای معلمان در اعتراض به سرکوبها و برای خواستهایشان بسیار برجسته بود. از جمله عکس هایی از معلمان زندانی چون محمد حبیبی و حمید رحمتی به طور برجسته ای به چشم میخورد و مورد توجه مردم قرار گرفته گرفته بود. معلمان به این شکل به احکام وحشیانه شلاق و زندان برای معلمان زندانی اعتراض خود را اعلام کردند. "جای معلم در زندان نیست"، یک بنر قابل توجه در این تجمع بود.

علاوه بر اعتراضات فوق، در تهران نیز معلمان حق التدریس با تاکید بر خواست استخدام فوری خود در آموزش و پرورش با شعارهایی چون "تا حقم را نگیرم، از اینجا نمی رَم"، "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" با دیگر همکارانشان در دیگر شهرها همصد شدند.

مضمون بنرها و شعارهای معلمان شاغل و بازنشسته در شهرهای مختلف در این روز علیه سرکوبگری های حکومت، دزدی ها و اختلاس ها، زندگی زیر خط فقر و تبعیض ها و نابرابری ها و با تاکید بر خواست یک زندگی انسانی بود. از جمله در میان بنرها این خواستها و شعارها قابل توجه بود: "ما خواهان آموزش رایگان

روز ۱۴ مرداد شمار زیادی از معلمان شاغل و بازنشسته در شهرهای اهواز، تبریز، اصفهان و کرمانشاه برای پیگیری خواستهایشان در مقابل مراکز آموزش و پرورش تجمع کردند. در تهران نیز بیش از هزار نفر از معلمان حق التدریسی برای دومین روز در مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش جمع شدند و اعتراض کردند.

در تبریز جمعیت معلمان شاغل و بازنشسته این شهر در حالیکه بنرهایی با طرح خواستهایشان را در دست داشتند و با فریاد "جای معلم زندان نیست" تجمع کردند. معلمان در تبریز از جمله شعار میدادند "بهار آزادیه، سفره ما خالیه" و شعارهای دیگری را در اعتراض به زندگی زیر خط فقر فریاد میزدند.

در کرمانشاه شمار زیاد شرکت کنندگان در تجمع معلمان شاغل و بازنشسته قابل توجه بود. تجمع کنندگان شعار میدادند: "نه زندان، نه تهدید، دیگر اثر ندارد"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی"، "جای شما عالییه، سفره ما خالیه"

در اصفهان تعدادی از معلمان شاغل و بازنشسته در محل آموزش و پرورش گرد آمدند و مامورین امنیتی مانع از گسترش این تجمع شدند. تجمع کنندگان با بنرهایی در

گردهمایی مخالفان جمهوری اسلامی در پاراماتای سیدنی و حضور حزب کمونیست کارگری ایران



تعدادی از مخالفان جمهوری اسلامی در روز پنجشنبه اول اگوست از ساعت ۴ تا ۶ عصر در مقابل سالن شهرداری حومه پاراماتا در اعتراض و محکومیت جمهوری اسلامی و به منظور رساندن صدای اعتراض کارگران به جامعه، گردهم آمدند و سخنرانان در خلال برگزاری این تجمع اعتراض خود به جمهوری اسلامی را اعلام نمودند. در جریان برگزاری این تجمع فعال واحد استرالیای حزب با بسیاری از رهگذران به بحث و تبادل نظر در مورد مسائل ایران پرداخت و بروشورهای تبلیغی و حاوی اطلاعات مربوط به مبارزات اژیتاتورها و رهبران کارگران نیشکر هفت تپه، در میان عموم توزیع نمود.

سرنگون باد حکومت جمهوری اسلامی

زنده باد حکومت شوراها

حکومت انسانیت، آزادی برابری رفاه و اسایش

تحصیل رایگان حق همگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملا از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید